نقد ترجمه‏ای از قرآن

ناصح، علی احمد

چکیده

تاکنون ترجمه‏هایى که از قرآن کریم به زبان فارسى نگاشته شده، هیچیک بى‏اشکال نبوده‏اند. یکى از این ترجمه‏ها از آن دانشمندى از اهل سنت بنام شاه ولى‏اللّه محدث دهلوى است. برخى از مهمترین اشکالات آن که در این مقاله بررسى شده، عبارتند از: ناهمسانى ترجمه یک کلمه در مواضع گوناگون، ترجمه ناصواب یا نارسایى بعضى از کلمات، مخالفت برخى از ترجمه‏ها با قواعد صرفى و نحوى، ترجمه برخى از آیات قرآن به نحوى که با مذهب خود موافق آید و بالاخره عدم رعایت قواعد املائى و چینش دستورى زبان فارسى.

کلید واژه‏ها: ترجمه قرآن، محدث دهلوى، اهل سنت، زبان فارسى.

1) مقدمه

یکى از ترجمه‏هاى معروف قرآن به زبان فارسى که از ترجمه آن بیش از دو قرن میگذرد و بارها در شبه قاره هند به صورت گسترده‏اى انتشار یافته است، ترجمه شاه‏ولى‏اللّه محدّث دهلوى (1114-1176) مى‏باشد.

این ترجمه در سالهاى اخیر توسّط آقایان د. عبدالغفور بلوچ و شیخ محمّد على دارى از سوى وزارت شؤن اسلامى و اوقاف عربستان سعودى مورد بازبینى و بررسى مجدّد قرار گرفته و مجمع ملک فهد دو سال پیش آنرا چاپ و در سطح وسیعى منتشر و به حجاج فارسى زبان هدیه نموده است.

انتشار مجدّد این ترجمه آنهم بصورت رسمى و در سطحى وسیع از طرف کشور عربستان سعودى انگیزه‏اى شد تا نگارنده به مطالعه آن پرداخته و ضمن دقّت در آن نکاتى را که پیش روى دارید با عنوان نقد و بررسى این ترجمه عرضه بدارد.

2) اشکالات ترجمه محدث دهلوى

1- یکى از اشکالات این ترجمه، تفاوت و ناهمسانى در ترجمه کلمات و واژه‏هاى پرکاربرد قرآنى است. تا جایى که واژه پراستعمال و قابل فهمى مثل «العالمین» نیز که در اکثر ترجمه‏ها از قدیم و جدید به جهانیان ترجمه شده و ترجمه مناسب و قابل قبولى نیز مى‏باشد، از این ناهمسانى و تفاوت در ترجمه مصون نمانده است. این کلمه در سور حمد: 1، اعراف: 80، انعام:90، انبیاء: 91 و 107، فرقان: 1، عنکبوت: 18 و صافات: 71 عالمها، در انعام: 86 اهل زمان، در سوره‏هاى مائده: 115 و شعراء: 165 اهل عالم، در سوره مائده: 20 عالمیان و در آل عمران: 108 مردمان ترجمه شده است. غریب‏تر آنکه این کلمه در سوره الحجر: 70 به غریبان برگردان شده است.

2- در آیه 62 از سوره بقره «انّ‏الذین آمنوا والذین هادوا و النصارى و الصابئین من آمن باللّه و الیوم الآخر...»؛ واژه صابئین را به بى‏دینان ترجمه نموده است؛ اینچنین: «هر آئینه آنانکه مسلمان شدند و آنانکه یهود شدند و نصارى و بى‏دینان هر که از ایشان ایمان آورد بخدا و بروز واپسین ...»؛ ولى همین واژه در آیه 69 سوره مائده و آیه 17 از سوره حج «ستاره پرستان» معنا شده است. این چندگانگى در مواردى دیگر نیز از این ترجمه وجود دارد.

شایان ذکر است که هر دو ترجمه یعنى هم بى‏دینان و هم ستاره‏پرستان در برابر واژه صابئین بنا بر آنچه اهل تحقیق نسبت به صابئان مى‏گویند، ناصحیح و خلاف واقع است؛ زیرا صابئان نه ستاره‏پرست بوده‏اند و نه بى‏دین[1].

3- آیه «الحق من ربک فلاتکونَنَّ من الممترین» [بقره: 147] چنین ترجمه شده است: «این درست است از پروردگار تو، پس مباش از شک آرندگان». اشکال این ترجمه در این است که کلمه «الحق» که در این آیه مبتدا مى‏باشد به خبر تبدیل شده و یک مبتداى محذوف در ترجمه اضافه گردیده است. همین اشتباه در ترجمه آیه 60 از سوره آل عمران تکرار شده، در آنجا آیه «الحقُ من ربک فلا تکن من الممترین» چنین ترجمه شده: «این سخن راست است از پروردگار تو. پس مباش از شک آرندگان». در هر دو مورد گویا چنین جمله‏اى ترجمه شده است: هذا حق من ربک و یا هذا الکلام حق من ربّک؛ در حالى که ترجمه صحیح آیه چنین است: حق از آن پروردگار توست. پس از شک آرندگان مباش.

4- مترجم آیه 61 سوره آل عمران یعنى آیه مربوط به مباهله را اینگونه ترجمه کرده است: «پس هر که مکابره کند، با تو درباره عیسى بعد از آنچه آمد بتو از دانش پس بگو بیائید تا بخوانیم فرزندان خود را و فرزندان شما را و زنان خود را و زنان شما را و ذات‏هاى خود را و ذات‏هاى شما را، پس همه بزارى دعا کنیم پس لعنت خدا گوئیم بر دروغگویان».

اشکال عمده این ترجمه که شاید به عمد هم صورت پذیرفته باشد، ترجمه «انفسناو انفسکم» به «ذات‏هاى خود و ذات‏هاى شما» است؛ در حالى که در اینجا نفس به معناى ذات نیست؛ گرچه در جاهاى دیگر به این معنا بکار رفته باشد. زیرا پیامبر صلى‏الله‏علیه‏و‏آله‏وسلم خود دعوت کننده به مباهله بوده‏اند و درست نیست انسان خویشتن را عوت نماید و لزوما باید داعى غیر از مدعو باشد؛ بعلاوه آنگونه که مفسّران فریقین آورده‏اند، پیامبر صلى‏الله‏علیه‏و‏آله‏وسلم پس از نزول این آیه براى مباهله، على، فاطمه، حسن و حسین علیهم‏السلام را با خود به محلّ موعود آوردند. طبق روایت طبرى، پیامبر صلى‏الله‏علیه‏و‏آله‏وسلم این چهار تن را با خود براى مباهله انتخاب کرد. شیخ طوسى (ره) در تفسیر تبیان در این‏باره مى‏گوید: «رسول خدا صلى‏الله‏علیه‏و‏آله‏وسلم على علیه‏السلام را به منزله نفس خویش معرّفى کرد؛ زیرا او مصداق «انفسنا» بود، چرا که بلاخلاف مراد از ابنائنا را حسن و حسین و مراد از نسائنا را فاطمه علیهاالسلام و مراد از انفسنا را خویشتن و على مى‏دانسته است؛ چه این روشن و مسلّم است که جز آنها کسى دیگر در مباهله حضور نداشته‏اند».

شیخ طبرسى در مجمع البیان در تفسیر «انفسنا» آورده است که مراد از آن فقط على علیه‏السلام است و جایز نیست که از آن خود رسول اللّه صلى‏الله‏علیه‏و‏آله‏وسلم اراده شده باشد؛ زیرا آن حضرت فراخوان بودند و درست نیست که انسان خودش را فرا خواند و اگر پذیرفتیم که مراد از انفسنا، کسى غیر از رسول‏اللّه صلى‏الله‏علیه‏و‏آله‏وسلم باشد، قطعا مصداق و مرجع آن على علیه‏السلام خواهد بود؛ زیرا کسى ادعا نکرده که بجز رسول اللّه، على، فاطمه و دو فرزندشان حسن و حسین علیهم‏السلام شخص دیگرى در مباهله شرکت داشته است. عمده مفسران فریقین همین قول را در تفسیر آیه ذکر کرده‏اند.

اصحاب لغت نیز از جمله معانى نفس را برادر و دوست گفته‏اند. بنابراین انفسنا را در آیه باید بگونه‏اى معنا کرد که بین داعى و مدعو فرق گزارده و با آنچه در شأن نزول آیه اتفاق افتاده است و نیز آنچه اغلب مفسرین فریقین بر آن هستند، سازگار باشد؛ یعنى باید گفت: معناى «انفسنا و انفسکم» نزدیکان ما و نزدیکان شما یا برادران ما و برادران شما و یا عزیزانمان و عزیزانتان است[2].

5- در ترجمه آیه «شهداللّه انّه لااله الّا هو و الملائکة واولوالعلم قائما بالقسط، لااله الّا هوالعزیز الحکیم [آل‏عمران18 ]چنین آمده: «گواهى داد خدا آنکه نیست هیچ معبود برحقى مگر او و گواهى دادند فرشتگان و خداوندان دانش در آن حال که خدا تدبیرکننده عالم است بعدل، نیست هیچ معبود بر حقى مگر او. غالب استوار کار است».

این ترجمه نارسا و بلکه ناصحیح است؛ چون قائما بالقسط حال براى اللّه مى‏باشد؛ براین‏اساس در ترجمه صحیح آن باید گفت: خداى یگانه که پیوسته دادگر است گواهى داد که ...

6- در ترجمه آیه «بلى اِن تصبروا و تتقوا و یأتوکم من فورهم هذا یمددکم ربکم بخمسة آلاف من الملائکه مسومین [آل‏عمران 125 [چنین آمده که: «بلى اگر صبر کنید و پرهیزگارى نمایید و بیایند کافران بسوى شما باین جوش خود امداد کند شما را پروردگار شما به پنج هزار کس از فرشتگان نشان‏مند کرده».

ترجمه کلمه مسوّمین با توجّه به قرائت مشهور به «نشان‏مند کرده» درست نیست؛ چون در قراءت مشهور که قرآن موجود نیز با این قراءت موافق است، مسوِمین به کسرِ واو خوانده شده و نه به فتح واو.

طبرسى در مجمع‏البیان آورده است که ابوالحسن گفته است: «کسانى که مسوّمین را با کسره خوانده‏اند، از آن روست که فرشتگان اسبهاى خود را نشان زده بودند و کسانى که با فتحه خوانده‏اند، از آن روست که آنان نشان خورده بودند...» على‏بن‏عیسى گفته است: آنان که قراءت با کسره را اختیار کرده‏اند، از آن جهت است که اخبارى چند وارد است که آنان اسبان خود را نشان زده بودند و رسول خدا صلى‏الله‏علیه‏و‏آله‏وسلم فرمودند: شما نیز نشان بزنید، زیرا فرشتگان نشان زده‏اند[3].

ترجمه کلمه «من فورهم» به «این جوش خود» نیز در آیه بسیار نامفهوم و نارسا و نامأنوس است.

7- «لیس لک من الأمر شى‏ءٌ اویتوب علیهم اویعذبّهم فانّهم ظالمون» [آل عمران 128 ]را اینچنین ترجمه کرده است: نیست ترا از این کار چیزى یا به مهربانى توبه ایشان را مى‏پذیرد یا غالب کند ایشان را زیرا که ایشان ستمکارند».

دو اشتباه عمده در این ترجمه رخ داده است: اوّل اینکه در ترجمه قسمت اوّل آیه از این نکته غفلت شده که «تاب» اگر با «على» استعمال شود به معناى «غفرله و رجع علیه بفضله»، یعنى آمرزش و رحمت را از سرگرفتن است و نه به معناى قبول توبه. اشتباه دوّم در ترجمه «اویعذبّهم فانّهم ظالمون» رخ داده است که به معناى «غالب کند ایشان را» ترجمه شده است؛ در حالى که «یعذبهم» به معناى «عذاب کند» مى‏باشد و هیچ گونه مناسبتى با «غالب کند» ندارد.

ترجمه صحیح آیه چنین است: «یا بخشش و آمرزش خویش را با ایشان از سر مى‏گیرد و یا ایشان را عذاب مى‏نماید، چرا که ایشان ستمکارند».

8- حواشى در این ترجمه فراوان به چشم مى‏خورد و این حواشى که گاهى تحت تأثیر دیدگاههاى خاص مترجم آورده شده‏اند، بسیار نامناسب و از دیگر اشکالات وارده بر این ترجمه است؛ بعنوان نمونه از حواشى مترجم به هنگام ترجمه آیه 24 سوره نساء یعنى همان آیه مربوط به متعه و ازدواج موقّت مى‏توان نام برد. در حاشیه شماره 4 ایشان بر این آیه در توضیح جمله «أن تبتغوا باموالکم محصنین غیرمسافحین» آورده است: «نکاح صحیح آن است که مهر باشد و مؤبد باشد بحسب ظاهر زیرا که چون حاجت جماع همیشه است و احصان بدون عقد مؤبد حاصل نشود و اللّه اعلم».

روشن نیست مترجم این معنا را که نکاح صحیح آن است که مهر باشد و مؤبد باشد، از کجاى آیه استفاده کرده و قسمت بعد آیه که طبق نظر فریقین مربوط به نکاح متعه مى‏باشد، [4] چگونه با این حاشیه قابل توجیه است.

9- در آیه 163 از سوره النساء کلمه «اسباط» را که پس از نام حضرت یعقوب آمده، به «نبیرگان» ترجمه کرده است؛ ولى در آیه 140 بقره و 84 آل عمران این کلمه را به «نبیرگان او» و «نبیرگان وى» و در آیه 136 بقره آنرا به «ذریّت یعقوب» برگردان ه است. گویا در سوره نساء اسباط به معناى مطلق نبیرگان ولى در دیگر موارد مراد از آن فقط نبیرگان و ذریه حضرت یعقوب‏اند؛ در حالى که در هر چهار مورد این کلمه پس از نام یعقوب آمده و قطعا مراد از آن در همه این موارد یکسان است.

10- آیه 55 از سوره مائده «انّما ولیّکُمُ اللّهُ و رسولُه والذین آمنوا الذین یقیمون الصلاة و یوتون الزکاة و هم راکعون» یعنى همان آیه ولایت که طبق روایات فراوان فریقین درباره صدقه دادن حضرت على علیه‏السلام در حال نماز نازل شده [5]، از دیگر آیاتى است که مترجم در ترجمه آن دچار خطا شده، و برخلاف روش خویش که معمولاً در اینگونه موارد حاشیه‏اى مى‏نگارد، بدون کوچکترین اشاره به جریان نزول آیه عمدا جمله حالیه «وهم راکعون» را بصورت غیرحالیه ترجمه نموده است. ترجمه وى چنین است: «جز این نیست که دوست شما خداست و رسول او و مؤمنانى که بر پاى دارند نماز را و مى‏دهند زکات را و ایشان پیوسته نماز گزارند».

ترجمه کلمه ولى به دوست در این آیه تحت تأثیر گرایش کلامى مترجم است.

11- حاشیه مترجم بر ترجمه آیه 67 از سوره مائده «یا ایّها الرّسول بلّغ ما اُنزل الیک من ربّک و ان لم تفعل فما بلّغتَ رسالته و اللّه یعصمک من الناس اِنّ اللّه لا یهدى القوم الکافرینَ» از دیگر مواردى است که با آنچه در تفاسیر فریقین از صحابه بزرگى مانند ابن مسعود، ابى‏سعید خدرى رزین‏بن‏عبداللّه، اُبى‏بن کعب و دیگران نقل کرده‏اند ناسازگار است[6].

مترجم آیه را چنین ترجمه کرده: «اى پیغامبر برسان آنچه فرود آورده شده است به سوى تو از جانب پروردگار تو و اگر نکردى، نرسانده باشى پیغام خدا را و خدا نگاه دارد تو را از مردمان. هر آئینه خدا راه نمى‏نماید گروه کافران را» سپس در پاورقى جمله «و ان لم تفعل» را اینگونه توضیح داده است: «یعنى اگر یک آیه هم نرساندى و اللّه‏اعلم».

12- در برخى موارد مترجم فاعل یک فعل را که ضمیر مستتر بوده، ظاهر نموده و به این وسیله موجب عدم شناخت فاعل و احیانا اشتباه در تطبیق آن و باعث قطع ارتباط فقرات قبل و بعد آیه شده است؛ مانند آیه 189 سوره اعراف: «هوالذى خلقکم من نفس واحدة و جعل منها زوجها لیسکن الیها، فلمّا تقضاها حملت حملاً خفیفا فمرّت به فلمّا اثقلت دعوا اللّه ربّهما لئن آتیتنا صالحا لنکوننّ من الشاکرین» که در ترجمه آن آورده است: «اوست آنکه پیدا کرد شما را از یک شخص و پیدا کرد از آن یک شخص زنش را تا آرام گیرد با وى، پس چون جماع کرد مردى با زن خود، بار گرفت بارى سبک، پس آمد و رفت کرد بآن بار سبک بعد از آن، چون زن گران بار شد، هر دو دعا کردند بجناب پروردگار خویش که اگر فرزندى شایسته بدهى ما را، باشیم از شکرکنندگان».

همانگونه که ملاحظه مى‏شود، در ترجمة «فلمّا تغشاها» فاعل را مردى ذکر کرده؛ در حالى که کاملاً مشخص است که فاعل آدم علیه‏السلام است و اگر «مردى» را از این ترجمه حذف کنیم، معنا روشن‏تر و ارتباط قبل و بعد آیه در ترجمه نیز محفوظ مى‏ماند.

ترجمه «خلق» به «پیدا کرد» در این آیه نیز به رسایى آفرید و یا خلق کرد نیست.

13- آیه «خُذ من اموالهم صدقةً تُطَهِّرُهُمْ و تُزکّیهم بها وصَلّ علیهم انّ صلاتک سَکَنٌ لهم واللهُ سمیعٌ علیمٌ» [توبه 103 [اینگونه ترجمه شده است: «بگیر از اموال ایشان زکوة را تا پاک‏سازى ایشان را و با برکت‏کنى ایشان را بآن و دعاى خیر کن براى ایشان هر آئینه دعاى تو سبب آرامش است ایشان را و خدا شنواى داناست».

همانطور که ملاحظه مى‏شود، در این ترجمه جمله وصفى «تطهرهم و تزکیهم بها» به گونه سببى ترجمه شده است و گویا آنرا جواب فعل امر خُذ دانسته است؛ در حالى که این جمله وصفى است و ترجمه صحیح آن چنین مى‏باشد: «از اموال ایشان زکاتى که آنان را با آن پاک مى‏سازى و با برکت مى‏کنى بگیر».

14- آیه «و أن اقم وجهک للدین حنیفا ولاتکوننَّ من المشرکین» را اینچنین ترجمه کرده است: (و فرموده شد آنکه راست کن روى خود را براى دین حنیف و هرگز مباش از مشرکان).

همانگونه که پیداست، در این ترجمه کلمه «حنیفا» صفت یا قید براى «الدّین» گرفته شده است؛ در حالى که این نادرست است و این کلمه حال براى فاعل «اقم» مى‏باشد؛ بنابراین منظور قرآن در این آیه رویکرد به دین با حالت حق‏گراى‏ست و نه پذیرش دین حنیف. همین اشتباه در ترجمه قسمت اوّل از آیه 30 سوره روم نیز تکرار شده است.

ترجمه صحیح آیات فوق چنین است: «پس راست کن روى خود را با حالت حق‏پذیرى بسوى دین».

15- در ترجمه آیه «و لااقولُ للذّین تَزْدَرى اَعْیُنُکم لن یُؤْتِیَهُمُ اللّهُ خیرا اللهُ اعلمُ بما فى انفسهم إِنّى اذا لمن الظالمین» [هود 31] آورده است: «و نمى‏گویم آنان را که بخوارى مى‏نگرد بدیشان چشمهاى شما که نخواهد داد خدا بدیشان هیچ نعمتى. خدا داناتر است بآنچه در ضمیرهاى ایشان است. هر آئینه من آنگاه از ستمکاران باشم».

در آیه مذکور برخلاف آنچه مترجم آورده است، لام در «للذّین» لام مجاوزه و به معناى «عن» مى‏باشد و معمولاً به، درباره در حق و مانند آن ترجمه مى‏شود؛ بنابراین ترجمه درست آیه اینگونه است: «و نمى‏گویم درباره آنان که چشمهاى شما آنها را به خارى مى‏نگرد...».

16- عدم اتخاذ یک روش یکسان در اظهار فاعلهاى مستتر از دیگر اشکالات قابل ذکر در این ترجمه است. مترجم گاه فاعل را ظاهر نموده و آنرا در ترجمه اضافه کرده؛ بدون آنکه آنرا از دیگر کلمات متمایز سازد؛ بعنوان نمونه ترجمه آیات 27 و 29 از سوره نمل «قال سننظر أصدقت ام کنت من الکاذبین» را چنین آورده است: (گفت سلیمان خواهیم دید آیا راست گفتى یا هستى از دروغ‏گویان).

17- برخى از اشکالات املایى نیز در این ترجمه مشهود است؛ از جمله در پاورقى ص 780 «پایمال» را «پائمال» و در پاورقى شماره 2 ص 839 «بدحال نشد» را، «بدحال نه شد» نوشته است. نیز در ص 185 در ترجمه آیه 119 از سوره مائده «این است» با حذف الف یعنى بصورت «این ست» نگاشته شده است و باز در همان ص 185 در ترجمه آیه 118 «تویى» با حذف یک یا یعنى بصورت «توى» نوشته شده است. همینطور در پاورقى ص 158 «بیفکند» به شکل «بیفنگند» کتابت شده است.

منابع

1) در این‏باره رجوع کنید به مقالات: صابئین اهل کتابند، از استاد محمد محیط طباطبایى، یادنامه استاد شهید مرتضى مطهرى، ج 2 ص 48-60 سازمان انتشارات و آموزشى انقلاب اسلامى و صابئین موحدین از یاد رفته سیدقاسم یاحسینى، کیهان فرهنگى سال ششم شماره 7 مهرماه 1368.

2) رجوع شود به تفاسیر مختلف فریقین ذیل آیه مزبور از جمله: الکشاف 1/368 ، الدّرالمنثور 2/231، مجمع‏البیان2/579 و المیزان 3/229.

3) مجمع‏البیان، ذیل آیه.

4) رجوع کنید به تفاسیر مختلف ذیل همین آیه از جمله: الکشاف 1/498، الدرالمنثور 2/482 و مجمع‏البیان 3/44.

5) رجوع کنید به: الدّرالمنثور 3/105، الکشاف 1/649 و مجمع‏البیان 3/263.

6) رجوع کنید به: الدرالمنثور 3/117.